

جرقه‌های بی‌فرهنگی در ایران

ترانه جوانبخت

به خاطر دارم که در سال ۱۳۸۴ شب چهارشنبه سوری هنگام بازگشت از یک داروخانه با مادرم در یکی از خیابان‌های تهران شاهد صحنه بسیار تلخی بودم که متأسفانه این صحنه با شنیدن جمله‌ای از یک نفر دیگر چنان در من تاثیر کرد که هیچ وقت فراموش نخواهم کرد. ما در خیابان ایستاده بودیم که سه مرد جوان شروع به پرت کردن نارنجک به سمت ما کردند. با افتادن اولین نارنجک نزدیک پای مادرم من به آنها اعتراض کردم اما متأسفانه آن سه مرد که در رده لات‌های کوچه خیابان بودند با قهقهه و مزاح دومین و سومین نارنجک را هم جلوی پای ما پرت کردند. البته برای آنها مهم نبود که به دلیل انفجار نارنجک چشم مادرم یا من کور شود یا از ناحیه دیگری صدمه ببینیم و همچنان به قهقهه و خنده ادامه دادند. ما بعد از رسیدن به میدان ولیعصر به یک مامور پلیس که در ماشین نشسته بود اطلاع دادیم و او با گرفتن نشانی آنها به ما گفت که قضیه را پیگیری می‌کند که البته این ظاهر ماجرا بود چون این پیگیری‌ها نتیجه ساز نبوده و باید تغییر عمقی در ذهنیت مردم ایران ایجاد شود چراکه با رسیدن ما به نزدیک منزل این معضل فرهنگی بار دیگر مشخص شد. به مردی که کنار یک مغازه ایستاده بود و شاهد نارنجک انداختن چند بیکار خیابانی جلوی پای من و مادرم بود گفتم: "توی این مملکت آدم اختیار چشم‌اش رو هم نداره" و متأسفانه آن مرد با گفتن جمله "مگه باید داشته باشه؟" نشان داد که سطح درک و شعور برخی در ایران تا چه حد پایین است. از آن شب تصمیم گرفتم هیچ سالی در

شبهای پایان اسفند ماه در ایران نباشم و رفتارهای دور از فرهنگ برخی جوانان را که سلامتی و جان هموطنانشان را به خطر می اندازند نبینم.